

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

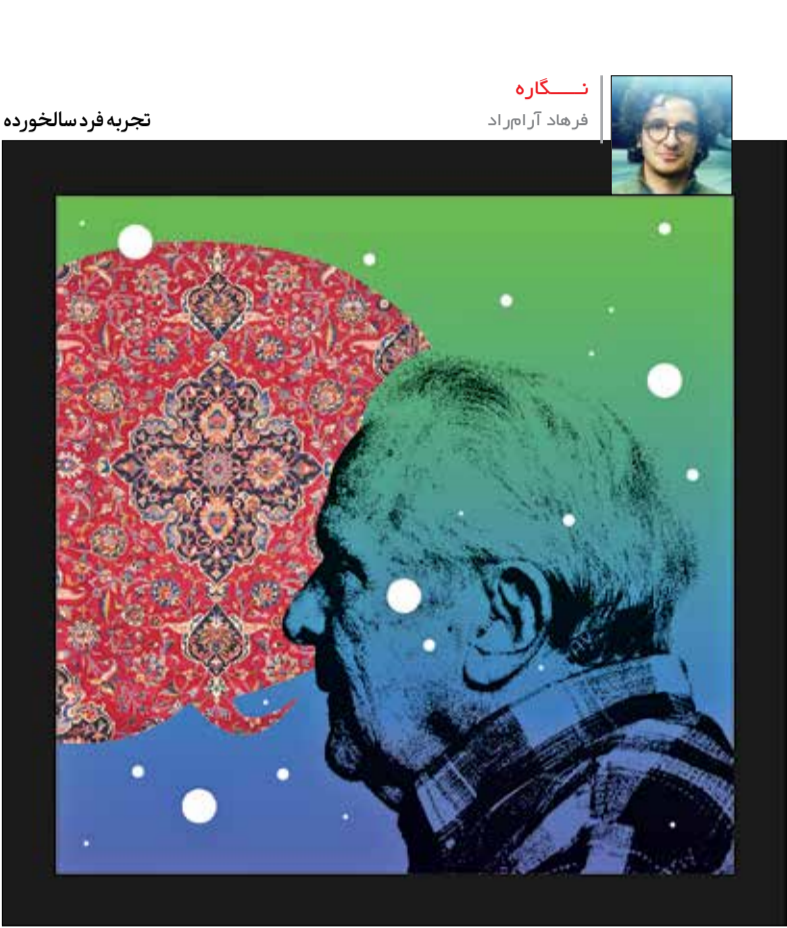
آدان ظهر ۱۲/۱۹ | آدان مغرب ۱۷/۵۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | آدان صبح فردا ۵/۳۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۶

امام رضا(ع):

هر کس اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می‌زداید.

سخن روز

الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰



دنیای مجازی اصحاب فرهنگ و هنر همچنان به تازه‌های آثارشان و موفقیت‌هایشان در جشنواره‌های بین‌المللی و فجر اختصاص دارد. از جایزه فیلم مجبوریم در جشنواره زول فرانسه تا رفتن فیلم علفزار به جشنواره برلین و انتشار تازه‌های نشر در بین نویسندگان از جمله خبرهای فضای مجازی است.

چهره‌ها



رضا درمیشیان نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده در صفحه خود از دریافت جایزه مردمی برای فیلم «مجبوریم» در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی وزول فرانسه خیر داده و نوشته: «تماشاگران فرانسوی جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران وزول فرانسه را به فیلم «مجبوریم» ساخته رضا درمیشیان اهدا کردند. در مراسم اختتامیه این جشنواره که با حضور درمیشیان و فاطمه معتمدآریا برگزار شد، جایزه بهترین فیلم تماشاگران به فیلم سینمایی «مجبوریم» اختصاص یافت.»



کاتم دانشی کارگردان فیلم علفزار از رفتن فیلمش به جشنواره فیلم برلین خبر داد. این کارگردان درباره حضور فیلمش در چهلمین جشنواره فیلم فجر نوشت: «۲۵ اردیبهشت امسال نسخه چهاردهم فیلمنامه «علف‌زار» پروانه ساخت دریافت کرد. این فیلمنامه آبان سال ۱۳۹۶ به شورای پروانه ساخت ارائه شده بود. پس از دریافت پروانه ساخت، بلافاصله کارهای تولید آغاز شد و از روز پنجم مرداد ۱۴۰۰ فیلمبرداری شروع شد. گروه در اوج دوران همه‌گیری کرونا توانست با رعایت تمام پروتکل‌های بهداشتی و با حفظ سلامتی افراد پروژه در اوایل شهریورماه فیلمبرداری را به پایان رساند. «علف‌زار» در چهلمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست نظر مثبت منتقدین و مخاطبان را کسب کند. این فیلم به‌زودی در اولین حضور جهانی در بازار جشنواره فیلم برلین شرکت خواهد کرد.»

دیگه چه خبر؟

گالری آرت‌بیشتن نمایش آثار مهدی راحمی باعنوان باتلاق را در سرفصل فضای مجازی خود گذاشته است. این گالری از روز جمعه ۲۲ بهمن ماه افتتاح و تا ۲ اسفند ماه میزبان آثار این هنرمند است. «مهدی راحمی متولد سال ۱۳۵۸ و نقاش و هنرمند چاپ‌گر است و پیش از نمایشگاه «باتلاق» چندین نمایشگاه انفرادی از آثارش برپا کرده بود. فؤاد نجم‌الدین، در بخشی از متن معرفی نمایشگاه «باتلاق» نوشته: «اگر بحران را به برهم خوردن نظم موجود تعبیر کنیم، بازمنمود آن نیز نیازمند در هم ریختن نظام بصری رایج و بزرگ‌فتن زبانی نو خواهد بود. «باتلاق مهدی راحمی، نمایش وضعیت حاضر است؛ وضعیتی که هر کس منظر ذهنی خود از آن در صورت‌بندی می‌کند اما در هر روایتی، حال بحران‌زده آن مشهود است.»

فاطمه مسعودی فیر بازیگر سینما از پخش قسمت اول سریال جیران به کارگردانی حسن فتحی از روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه خبر داده و نوشته: «داستان عاشقانه جیران به کارگردانی حسن فتحی، تهیه‌کنندگی اسماعیل غفیفه و نویسندگی احسان جوانمرد و حسن فتحی، یک شنبه ۲۴ بهمن ماه، روایت می‌شود. قسمت نخست این سریال ۸ صبح یکشنبه به صورت اختصاصی از شبکه نمایشی فیلمو پخش خواهد شد.»



ایران تئاتر در صفحه خود با نمایش لوگوموشن «آنورا» از این نمایش رونمایی کرد و نوشت: «این تئاتر به نویسندگی و کارگردانی مهدی محبیعی بزودی در سالن حافظ به روی صحنه می‌رود. نسا یوسفی، آیلاز نوشهری، محمدرضا حسن‌زاده، المیرا صارمی و… بازیگران این نمایش هستند.»



نشر چشمه از انتشار کتابی با عنوان درخت خون نوشته مهدی جواهریان خبر داده است که بزودی به بازار نشر می‌آید. این انتشارات در صفحه خود درباره این کتاب توضیح داده: «مهدی جواهریان سینما خوانده و سال‌ها متون حکمت‌هندی و شعر برخی شاعران غربی را به فارسی برگردانده. بسیار سفر رفته و تجربه‌های زیسته‌اش در مقام یک نویسنده منحصربه فرد است و از دل همین تجربه‌ها، دانش و دغدغه تاریخ است که درخت خون متولد شده است. او، با تسلط شگفتی که بر زبان فارسی دارد، قصه یک نقاش ازبایدار آمده را نوشته. نقاشی که در شهر قزوين و در دوران ناصری زندگی می‌کند. جواهریان از نگاه تمثیلی منتفر است و اعتقاد دارد که جهان را باید واقع‌گرایانه نگریست؛ برای همین از «چنار خون‌بار» مقدسی در الموت پرده‌ای می‌سازد و گویا مانیفستش در روایت تاریخ ایران همین تابلوست.»



آثار ماندگارش روشنی نام و اندیشه‌اش خواهد بود

اهل قلم بود و راوی عشق، خادم حرم بود و نجواهایش را پای منبر امام زمان (عج) صحن مسجد کوهرشد زمزمه می‌کرد… با گروه تئاتر «آیت» جوانان زیادی را برای تئاتر خراسان تربیت کرد، ادبیات شاعرانه‌اش تورا پای پنجره فولاد می‌برد، شخصیت‌های آثارش کوبی گمگشته‌ای بودند دخیل بسته به ضریح، سعید تشکری اصل دل‌نویسی بود، اصل ادبیات خراسانی، اصل ارادت به مولایش ثامن‌الحجج علی‌ابن‌موسی‌الرضا(ع) … حضور در کانون ملی منتقدان، دآوری جشنواره‌های ملی و منطقه‌ای و حضور در ادوار مختلف جشنواره‌های تئاتر، سعید تشکری را به یک هنرمند متعهد تبدیل کرده بود… بی‌شک آثار ماندگارش تاهست روشنی نام و اندیشه‌اش خواهد بود.

بخشی از پیام تسلیت حسین مسافر آستانه دبیر چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجربرای درگذشت سعید تشکری نویسنده و نمایشنامه‌نویس

پرسشگری بیانیه‌خوانی نیست!

نشست‌های خبری فیلم‌های حاضر در جشنواره که پس از اکران هر فیلم برگزار می‌شود، فرصت خوبی است تا مخاطبان با نگاه سازندگان آثار سینمایی به موضوع فیلم خود بیشتر آشنا شوند و درباره مسائل مرتبط با فیلم بیشتر بدانند. در جشنواره امسال نیز همانند دوره‌های گذشته خبرنگاران زیادی از رسانه‌های مختلف حاضر هستند تا سؤالاتی را از عوامل بپرسند. اما آنچه هم در این دوره و هم دوره‌های گذشته قابل توجه بوده، حجم بالای سؤالاتی است که کمک چندانی به فهم فیلم نمی‌کنند و نتیجه‌ای هم برای مخاطب ندارند. روشن است که خبرنگاران در پرسش‌های خود آزادند به هر موضوعی بپردازند؛ اما آزاد بودن قلمروی طرح سؤال به معنای عدم رعایت فنون پرسشگری نیست؛ سؤال از مسأله می‌آید و بخش زیادی از سؤال‌هایی که در نشست‌های خبری پرسیده می‌شوند، مسأله ندارند، یعنی به‌دنبال درک موضوعی کلی‌تر یا دغدغه‌ای هدفمند نیستند و جز نام پرسنده و رسانه‌ای که او به آن تعلق دارد، نکته‌ای برای عوامل و مخاطبان ندارند. رسانه‌ها آزادند به هر موضوع دلخواه خود بپردازند، اما این به معنای نادیده گرفتن مخاطبان نیست؛ رسانه آگاه رسانه‌ای است که سؤال را با هدف آگاهی مخاطبان طرح کند. سؤال گاه می‌تواند آنقدر سنجیده و دقیق طرح شود که حتی برای خود عوامل بکر به نظر برسد و دریچه تازه‌ای به روی فیلم خودشان را به آنها بگشاید. اما آنچه اغلب در نشست‌های خبری مشاهده می‌شود، تلاش برای جنجال‌سازی و حتی گرفتن واکنش‌هایی عجیب از عوامل در جلوی دوربین‌ها است تا رسانه بتواند از این طریق صرفاً آمار بازدید خود را بالا ببرد. نگاه غیرتخصصی برخی رسانه‌ها به موضوع سینما سبب می‌شود تا خبرنگارانی را که چندان با چهارچوب‌های نقد فیلم آشنا نیستند یا حتی ممکن است خبرنگار تخصصی حوزه‌های دیگر باشند، برای حضور در نشست‌های خبری به‌عنوان سؤال‌کننده انتخاب کنند. بخشی از سؤال‌هایی که پرسیده می‌شوند، شبیه به بیانیه هستند و گویی شخص خبرنگار یا رسانه‌اش تنها به‌دنبال اعلام موضع موافقت یا مخالفت خود نسبت به فیلم در قالب جملاتی

یادداشت



علی‌نکادز فولی
دکترای جامعه‌شناسی سیاسی



شهره طابتی
مددکار اجتماعی

کم‌برخورداری مالی، نوعی عدم امکان استفاده از منابع و امکانات موجود برای بعضی از اقشار و افراد را به‌دنبال می‌آورد. فرهنگ و هنر، ریشه‌ای عمیق در عرف، سنت، آگاهی و رشد جوامع و افراد دارد. وجود و دسترسی ملزومات و امکانات فرهنگی، هنری برای افراد

و گروه‌های جامعه تأثیر بسزایی در مسیر فکری افراد می‌گذارد. حتی می‌تواند خاستگاه تفکری افراد را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه بر فرایند رشد و ارتقای سطح زندگی مردم جامعه نقش مؤثری ایفا کند. تأثیر فرهنگ و هنر بر زندگی افراد، حمایت‌های اجتماعی از این عامل مهم در جوامع را برای ما پر رنگ‌تر می‌کند. حمایت از فرهنگ و هنر، مقوله‌ای است که می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. خود روند حمایت اجتماعی از هر مسأله‌ای صور مختلفی دارد. فرهنگ و هنر نیز از این مورد استثنا نیستند. در بحث حمایت‌های اجتماعی، جامعه هدف، فرایند حمایتی، عوامل و نتایج به‌دست آمده از این مدل بسیار مهم است. موضوعات هنری و فرهنگی، مورد نیاز و استفاده اکثر افراد جامعه است به همین دلیل جامعه هدف در این زمینه بسیار وسیع و گسترده است. هرکدام از گروه‌های هدف، تعداد افراد با موقعیت و ویژگی‌های مختلفی را شامل می‌شوند. در این بین و در تمامی جامعه‌ها، گروه‌های کم‌درآمد به‌دلیل مشکلات اقتصادی، اولویت‌های رفاهی زندگی‌شان با دیگر گروه‌هایی که از نظر مالی در مضیقه نیستند، تفاوت‌هایی دارد. برای آنها پرداختن به استعدادها و استفاده از شاخه‌های هنری برای خود و فرزندانشان در رده‌های آخر باشد یا شاید هم هیچ‌گاه به سراغ آن نروند. این موضوع به تنهایی عاملی مهم است که حمایت فرهنگی و هنری از این افراد را الزام می‌بخشد. جهت دادن به افکار و ذهنیات افراد مخصوصاً کودکان که در مرحله انتخاب مسیر زندگی قرار دارند سهم مهم و بسزایی در نوع زندگی فردی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی آنها در بزرگسالی دارد. یک شکل از حمایت هنری می‌تواند حضور افراد آگاه در این زمینه در مدارس و مراکز خوبیگاهی جوانان و کودکان باشد. صحبت‌های آنها و آشنا کردن کودکان با شاخه‌های هنری، آگاه‌سازی آنها از مهم بودن فرهنگ در زیرساخت زندگی فردی و اجتماعی و در نهایت در اختیار قرار دادن ملزومات و امکانات آن که اقشار کم‌درآمد نیز بتوانند از آنها استفاده کنند، نتایج بسیار ارزشمندی در حال و آینده فرهنگی و هنری یی جامعه رقم می‌زند. اما متأسفانه می‌بینیم که آموزش و پرداختن به هنر برای اکثر افراد ضرورتی مهم تلقی نمی‌شود و تأسف‌بارتر اینکه گروهی به‌خاطر هیجانات جمعی و ابزاز وجود نادرست که معنای خودنمایی دارد، در جامعه به سمت هنر دست می‌اندازند ولی پس از مدتی به دلایل مختلف که اصل آن هیجانات تکنانه‌ای بوده هنر ییاد نگرفته را رها کرده و به‌دنبال یک شاخه دیگر می‌روند. این مدل آسیب‌جدی و بزرگی بر روان فرد و جامعه هنری می‌زند. بررسی این آسیب‌ها در این یادداشت امکان‌پذیر نیست.

در انتها نقش حمایت اجتماعی از هنر و فرهنگ به دلایل گفته شده بسیار حائز اهمیت است زیرا زیرساخت‌های فرهنگی و سنتی و عرفی جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

احساسی و بی‌پایانه‌اند و هدف دیگری را از طرح سؤال دنبال نمی‌کنند. مشخص نیست که چرا خبرنگاران یا رسانه‌ها در طرح سؤال خود درباره خوب بودن یا نبودن فیلم به جای مخاطبان تصمیم می‌گیرند و نظر شخصی خود را به‌عنوان نظری عمومی اعلام می‌کنند. جایگاه رسانه‌ها در مواجهه با فیلم و عواملش در نشست‌های خبری، جایگاه پرسشگری است و قضاوت ارزشگذارانه درباره فیلم درنشت خبری امری غیرحرفه‌ای است. این امر، موضوعی پیچیده، تخصصی و تفصیلی است که هر رسانه می‌تواند پس از نشست، با تولید محتوا در قالب‌های گوناگون به آن بپردازد. نکته دیگری که در نشست‌های خبری فیلم‌ها قابل مشاهده است، حجم سؤالاتی است که از دو یا سه نفر عوامل اصلی (مانند کارگردان، بازیگران اصلی و تهیه‌کننده) پرسیده می‌شود و سایر عوامل بیشتر در سکوت به سر می‌برند. آنچه در بین سؤالات بسیار کمرنگ است، طرح سؤالات تخصصی درباره موسیقی فیلم، جلوه‌های ویژه، منطق روایی فیلمنامه و مسائلی از این دست است که به نظر می‌رسد با توجه به تخصصی بودن موضوع، خبرنگاران چندان با این حوزه‌ها آشنا نیستند و اغلب به طرح سؤالاتی تکراری یا مشابه از عوامل اصلی بسنده می‌کنند. البته شیوه انتخاب از بین سؤال‌ها از سوی مجریان نشست نیز قابل نقد است و به نظر می‌رسد در انتخاب سؤال‌ها و اولویت‌بندی میان آنها دقت لازم صورت نمی‌گیرد. جنبه دیگر این موضوع، شیوه مواجهه برخی عوامل فیلم‌ها است که در مواجهه با سؤالات، حالتی تهاجمی به خود می‌گیرند و به جای تبیین موضوع مورد سؤال برای مخاطبان، در لافه‌کلمات رسمی و مذبذبه، پاسخ‌هایی تند و به دور از منطق ارائه می‌کنند. گویی که قصد انتقامجری از پرسشگران را دارند. شکی نیست که این شیوه پاسخگویی و آن شیوه پرسشگری همدیگر را بازتولید می‌کنند و هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند اصلاح شوند. رسانه‌ها نماینده بخش‌هایی از افکار عمومی هستند و سؤالاتی هم که می‌پرسند باید سؤالاتی باشد که برای مخاطبان اهمیت دارد و تشخیص این اهمیت البته مهارتی است که برخی رسانه‌ها آن را بدرستی تشخیص نمی‌دهند. پرسشگری از فیلم و پاسخگویی درباره آن، تخصصی است که با مجهز شدن به سواد سینمایی و مهارت‌های نقد به دست می‌آید. سؤال خوب، راهگشا است و گاه یک سؤال درست، می‌تواند دریچه‌ای را به یک جهان تازه برای مخاطبان باز کند.

نگاهی به کتاب عبدالحسین نوشین از مجموعه «یاد» به یهانه ۲۱ بهمن زادروز او **به یاد نوشین در مجموعه «یاد»**

عبدالحسین نوشین را پدربزر تئاتر مدرن ایرانی می‌دانند. مردی که هم نمایشنامه نوشت و هم نمایشنامه‌هایش را کارگردانی کرد. به شاهنامه علاقه زایدالوصفی داشت و همین مسأله سبب شد که بخشی از عمرش را به پژوهش و کار روی شاهنامه اختصاص دهد که نتیجه آن یک فرهنگ‌واژه‌های دشوار شاهنامه شد که امروز تحت عنوان «واژه‌نامک» در دسترس است.

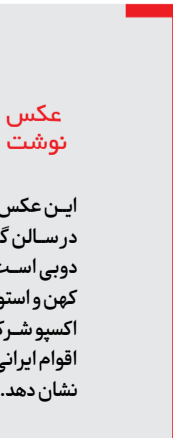
نخستین‌بار در یکی از درخشان‌ترین جستارهای فارسی به قلم قاسم هاشمی‌نژاد، «چهار خاطره یادآورد» با نوشین آشنا شدم. آنجا که هاشمی‌نژاد او را از زبان یکی از بزرگان تئاتر ایران، علی‌اصغر کرم‌سیری، توصیف می‌کرد.

اما زندگی نوشین آن قدرها هم ساده و مجمل نبود که با همین قدر خواندن و دانستن، بتوان مدعی شد که همه جوانب عمر او را بررسی کرده‌ام. انتشارات ایده مجموعه‌ای ارزنده درباره تاریخ زندگی اهالی فرهنگ و هنر دارد که بسیار خواندنی است. در این مجموعه، درباره نام‌های بزرگی چون احمد محمود، علی حاتمی، محمد بهرنگی و… کتاب‌هایی کوچک اما جذاب منتشر شده و نویسندگانی چون عباس بهارلو، حسین جاوید و دیگران نیز کتاب‌ها را نوشته‌اند. یکی از کتاب‌های این مجموعه، اثری است کوتاه و خواندنی به قلم احسان حاجی‌پور که به بررسی زندگی و زمانه «عبدالحسین نوشین» می‌پردازد. کتاب با این جمله آغاز می‌شود: «در تمام عمرش، تنها دو چیز مامن و مأویاش بود: «موسیقی و کتاب»؛ همین برای یک علاقه‌مند به تاریخ، کتاب و فرهنگ کافی است که به این سادگی‌ها کتاب را زمین نگذارد و به اصطلاح کتابخوان‌ها «یک‌نفس» کتاب را بخواند.

از مهم‌ترین نکاتی که حاجی‌پور در این کتاب از آن بهره برده، سبک روایی خاص او است که در آن نظم عمومی و متعارف روایت را برهم زده است. به این معنا که در ابتدای همان فصل اول که جمله آغازین آن را نقل کردم، تنها چند سطر پایین‌تر از آن جمله، به واقعه مرگ نوشین و چگونگی آن اشاره می‌شود. این درحالی است که مخاطب در حالت معمول انتظار دارد یک کتاب این‌چنینی با تولد شخصیت آغاز شود و در ادامه نویسنده به ترتیب به شرح حال خواننده، تحصیلات، دانشگاه، ازدواج، دوران اوج فعالیت کاری، مختصری از آثار و فعالیت‌ها و نهایتاً مرگ بپردازد. این برهم‌زدن نظم روایی از حیث تقدم و تاخر رویدادها سبب شده که مخاطب در هر فصل غافلگیر شود و او روند مرسوم کتاب‌های این‌چنینی خسته و آزرده نشود.

در انتهای کتاب سال‌شماری جامع از زندگی عبدالحسین نوشین تعبیه شده که در کنار این سال‌شمار، عکس‌هایی درباب از نوشین نیز گنجانده شده است. سالروز آغاز و پایان زندگی انسان‌های بزرگ، زمانه است مغتنم تا درباره آنها بخوانیم، بدانیم و از دانسته‌هایمان برای فعالیت‌خود بهره ببریم.

■ **کتاب نوشین از مجموعه «یاد» را انتشارات ایده، در ۱۱۱ صفحه و به قیمت ۶۰هزار تومان منتشر کرده است.**

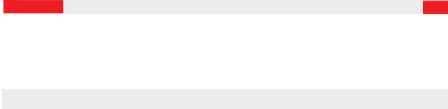


عکس نوشت

این عکس مربوط به ویرتین مولازهای هخامنشی در سالن گردشگری بابویون ایران در اکتسبو ۲۰۲۰ دویی است. امسال ایران با شاعران ایران، تمدن کهن و استوار؛ تنوع اقوام و میزبان ملت‌ها» در این اکتسبو شرکت کرده تا با ارائه آثاری از هنر و فرهنگ اقوام ایرانی، فرهنگ و تمدن کهن ایرانی را به دنیا نشان دهد. منبع ایسنا



ای خطه ایران مهین، ای وطن من
ای گشته به مهر تو عجب جان و تن من
دور از تو گل و لاله و سرو و سمنم نیست
ای باغ گل و لاله و سرو و سمن من
قصاید ملک الشعراهای بهار



چک لیست‌های زندگی مشترک ۶/ **نامشروط دوست داشتن!**

وقتی پیوند زناشویی در میان است بدون تردید یک پای آن انتظار «عشق» و محبت در رابطه است. به جرات می‌توان گفت ریشه بسیاری از گلابه‌ها در اتاق‌های مشاوره این است که یکی یا دو نفر رابطه نسبت به محبت طرف مقابل تردید دارند. گاه این تردیدها ریشه در واقعیت رابطه آنها دارد و گاه تنها به این دلیل در زندگی‌شان ریشه دوانده که آنها بلد «عشق ورزیدن» یا «محبت کردن» نیستند. گاهی هم انتظاری که از کیفیت عشق در زندگی دارند ثابت مانده و می‌خواهند طرف مقابل مثل روزهای اول به لحاظ کلامی و رفتاری «عشق» را بروز دهد. در این مجال کوتاه می‌خواهم بگویم چگونه «صمیمیت»، «عشق» می‌آفریند و چگونه عشق مشروط تیشه به ریشه روابط می‌زند.

اگر یادتان باشد در شماره اول این سلسله یادداشت از اریکسون روانشناس برجسته رشد درباره عناصر سازنده و مخرب دوران رشد گفتیم که معتقد بود هر مرحله رشدی یک تعارض میان عنصر سازگار و عنصر مخرب پیش روی فرد قرار می‌دهد که اگر او یا سازگاری آن را طی کند، نیروی اساسی در آن دوران شکل می‌گیرد که برای تمام زندگی او نقش مهمی ایفا می‌کند. مرحله مهمی که اریکسون درباره شکل‌گیری نیروی «عشق» که لازمه پیوند است، می‌گوید دو نیروی «صمیمیت» در برابر «انزوا» قرار دارد. قبل از این مرحله اما نوجوان باید «وفاداری» را به دست آورده باشد و به انسجام هویت رسیده باشد که بخش جدایی‌ناپذیر رشد سالم روانی – اجتماعی است. وفاداری یعنی خشودای از اهداف و پایبندی نسبت به خود و دیگران.

اریکسون مثل بسیاری از روانشناسان باور داشت که برپا کردن پیوندهای نزدیک و متعهدانه با دیگران ضرورت دارد و می‌گفت: «کسانی که حس ضعیفی درباره خود دارند در روابطشان نیز گرایش به تعهدپذیری کمتری دارند و بیشتر در معرض انزوای عاطفی، و تنهایی و افسردگی قرار دارند. عشق در واقع گسترش وفاداری و پایبندی به روابط باارزش و دوسویه است.»

نکته اینجاست که در سیر تکاملی ما نیز پیوندجویی نقش مهمی دارد و در زن‌های ما حک شده است. فطرت آدمی نیز به سمت پیوندجویی گرایش دارد و می‌بینیم که عشق تأثیر بسیار مطلوبی روی سلامتی جسمی و روحی دارد. یکی از تله‌های مهم زندگی افراد نیز آنجاست که در دام «من دوست داشتمی نیستم» بیفتند.

اما دوست داشتن چیست؟ دوست داشتن و دوست داشته شدن از هر فرد تا فردی دیگر متفاوت است و گاه حتی تعریف دچار خطای شناختی غربیی است. گاهی دوست داشتن هم در دام رفتارهای دروغین توجه گرفتن گرفتار می‌شوند! اگر به نظر اریکسون بزرگ‌دریم مهم‌ترین پیش نیاز عشق، وفاداری است و مهم‌ترین نشانه سازگار آن عنصر صمیمیت است. هر چند بسیاری معتقدند عشق و دوست داشتن نیز مراحل رشدی را طی می‌کند و در اوایل مانند کودکان نویا به مراقبت بسیار نیاز دارد و کم‌کم به استقلال نیاز پیدا می‌کنند و بعد به یخچگی می‌رسند اما آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که دوست داشتن در هر مدلی، چه در روابط والد فرزندی و چه روابط بزرگسالان، اگر مشروط باشد، فرسنگ‌ها از دوست داشتن فاصله دارد. مشروط کردن دوست داشتن یعنی وقتی ابزاز محبت به دیگری نشان بدهیم که رفتارش دلخواه ما باشد و یا بلافاصله انتظار بازخورد از آن داشته باشیم. دوست داشتن غیرمشروط در کنار صمیمیت لازمه زندگی پایاست و معنایش این است که بدون قید و شرط و مستقل از رفتار دیگری او را دوست بداریم. مستقل از رفتار یعنی ما به قدری دیدگاهمان رشد کرده است که بدانیم گاهی رفتار آدم‌ها متأثر از شرایط محیطی و استرس‌های زندگی و یا درگیری‌های درون روانی است اما درکی از شخصیت طرف مقابل داریم که ویژگی‌های پایدار شخصیتی طرف مقابل همیشه در نظر ما برجسته است. ما می‌توانیم رفتار طرف مقابلمان را دوست نداشته باشیم و نقد کنیم اما با هر رفتار دور از دلخواه ما این دوست داشتن را از او پس نگیریم! و پیشنهاد آخر اینکه، هر گاه احساس دوست داشته نشدن در رابطه خود می‌گیرید یکبار به این فکر کنید که شما چقدر دارید در این زندگی به طرف مقابلتان حس امن دوست داشته شدن و عشق را بدون قید و شرط می‌دهید.

